

تأملی در معنی واژه‌ی فراز

مهندس حسین جلی

□ در شماره‌ی ۶۲ آن ماهنامه‌ی گران سنگ در صفحه‌ی ۴۷ در مقاله‌ی با عنوان «تأملی در تعریف دو واژه از فرهنگ معین» شرحی درباره‌ی واژه‌ی «فراز» درج شده بود. بر آن شدم تا به مطالعه و تفحص در این باره بپردازم.

ریشه‌ی واژه‌ی «فراز» در زبان‌های پارسی باستان و پهلوی میانه است. به سبب گستردگی سرزمین‌های ایران باستان با سابقه‌ی چندین هزار ساله واژه‌ی (فراز) با گویش‌ها و معانی گوناگون به وجود آمده است. این دو گانگی، در زبان عربی نیز وجود دارد. من باب مثال کلمه‌ی (الرغب) یکی از آن‌هاست.

الف: من رغب عن سنتی و لیس منی، یعنی کسی که از سنت من دوری جوید از ما نیست

انا من الشیطان راغبون، یعنی ما از شیطان دوری می‌جوییم.

ب. انا الی الله راغبون (سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۵۹)

پ. ارغب انت عن الهتی یا ابراهیم، یعنی آیا ای ابراهیم از خدای من دوری می‌جویی و احتراز می‌کنی؟

در زبان فارسی، واژه‌ی «فراز» به دو معنی است:

الف. فراز به معنی بستن

مثالی از دیوان حافظ:

معاشران گره از زلف یار باز کنید

شبی خوش است بدین قصه‌اش دراز کنید

حضور محفل انس است و دوستان جمع‌اند

و این یکاد بخوانید و در فراز کنید

بسیارند کسانی که دعایی می‌خوانند و دهان خود باز می‌کنند و به بالا و پیرامون خود می‌دمند تا آن دعای خیر دافع شر واقع شود.

برخی این بیت حافظ را این‌گونه معنی و تفسیر کرده‌اند که: آیه‌ی «وان یکاد» بخوانید و به طرف بالا و آسمان فوت کنید. این

تفسیر، به هیچ روی پسندیده و قابل قبول نیست.

توضیح: در عرف شعر فارسی حذف حروف اضافه از قبیل (ر - ز) بسیار متداول است. اگر برهم خوردن وزن شعر را نادیده بگیریم، می‌توانیم آن مصراع را این‌گونه بخوانیم:

و این یکاد بخوانید و در را فراز کنید و یا این‌گونه بنویسیم: و این

یکاد بخوانید و در فراز کنید. در این صورت، دیگر ابهام و ابهامی در کار نخواهد بود. یعنی چون شب خوشی است و همه‌ی دوستان در این محفل انس جمع شده‌اند، در را ببندید تا از سوی حاسدان و بدخواهان چشم زخم و گزندگی به ما نرسد...

«در فراز کنید»، یعنی در را ببندید.

پس در این بیت دو اشکال وجود دارد یکی نحوه‌ی نگارش مصراع آخر، دوم عدم توجه به حذف (را).

ب. فراز به معنای باز

مثالی که نویسنده‌ی محترم مقاله‌ی مندرج در حافظ ۶۲، از دیوان شمس آورده چنین است:

جمال خود ز اسیران عشق خویش میوش

چو باغ لطف خدایی تو در فراز مکن

اگر مصراع دوم را این‌گونه بنویسیم:

چو باغ لطف خدایی، تو در فراز مکن

(هیچ میوش و در فراز مکن) فعل امر است.

چون حسن روی تو از لطف الهی برخوردار است از خواستاران و دوستاران خود روی خود را پنهان مکن و در را فراز مکن یعنی در را میند و در را باز نگهدار در این جا نیز (فراز نکردن) به معنای بستن نیست و باز کردن و باز نگه داشتن است.

یعنی: آن که در راه مهر و محبت دوستی صنعت و مکر می‌کند و راه راست نمی‌پیماید آن عشق مجازی و عاری از حقیقت راه معرفت را در دل او فراز می‌کند یعنی سد می‌کند و می‌بندد این غزل حافظ اشاره به عماد فقیه کرمانی است.

و مکرو و مکرالله ان الله خیر الماکرین

چه داعی دارد کسی را که دل او خالی از معنا و معرفت است، نفی و فراز کنیم و این در حقیقت سالبه‌ی به انتقای موضوع است.

در این مصراع (فراز) به معنای بستن است. در صفحه‌ی ۱۸۴ حافظ قدسی چاپ افست تهران اردیبهشت ۱۳۴۲ شمسی برابر ذی‌الحجه الحرام ۱۳۸۲ هجری قمری چنین آمده است.

صنعت مکن که هر که محبت نه راست باخت

عشقش به روی دل در محنت فراز کرد

یعنی آن عشق مجازی در فلاکت و بدبختی را در دل او می‌گشاید و باز می‌کند. در این جا (فراز کردن) به معنای باز کردن و این از همه‌ی تعابیر مقبول تر است.)

منظور آن که «فراز» در همه جا به معنای بستن و بالا و باز کردن نیست و منوط به متن و محتوای کلام دارای معانی گوناگون است.

